

جرجان - گنبد قابوس

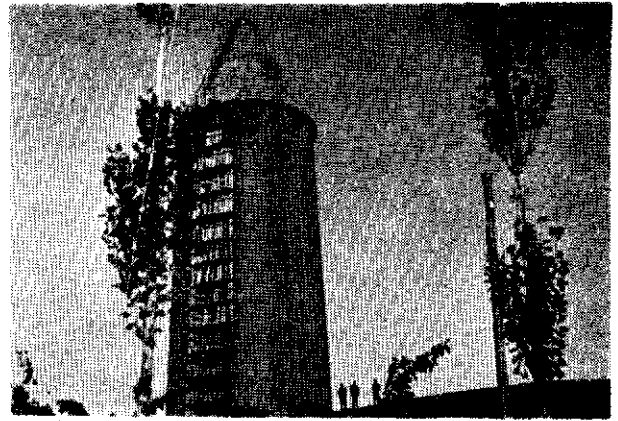
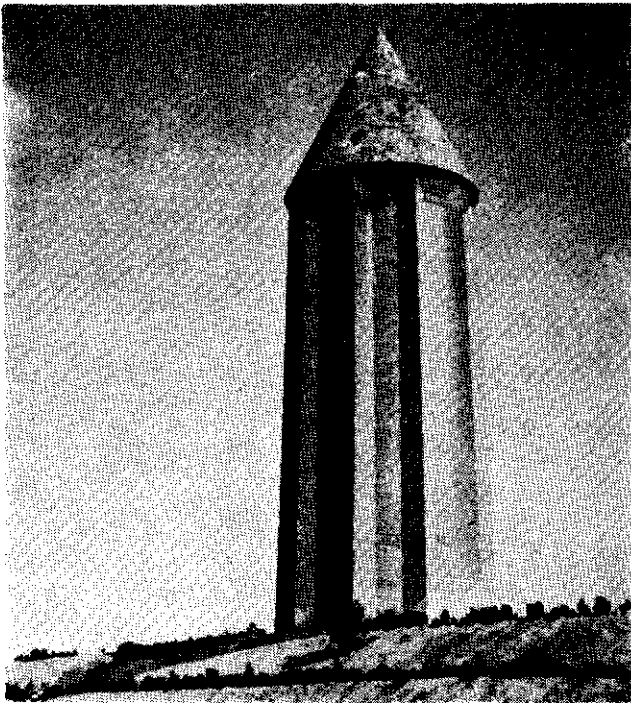
نصرت‌الله مشکوتی
عضو شورای عالی باستان‌شناسی

ساخته شده است^۱ و اکنون آثاری از بقایای پایه‌های آجری و طرح قوس طاقهای آن که در نهایت استادی و زیبایی زده شده است دیده میشود.

ضمن کاوشهایی که برای بررسی و شناسایی پیشینه تاریخی زمینهای گرگان و دشت ترکمان بعمل آمده است بایستی در مرتبه اول نام کاوشهای علمی تخماق تپه و تورنگ تپه را برد، این دو تپه تاریخی که اولی درسی و سه کیلومتری شمال استرآباد (گرگان)

(۱) شهر گرگان را که در کرانه رود گرگان واقع شده از قدیم به دو قسمت تقسیم نموده اند یکی شهرستان و دیگری بکرآباد و بوسیله پلی بهم متصل میشده است. جغرافی این حوقل صفحه ۲۷۳.

در سرزمین جرجان قدیم که شامل جنگلهای انبوه و نقاط کوهستانی و دشت وسیع میباشد آثار زیادی از تمدن دو الی سه هزار سال پیش از میلاد (کاوشهای تورنگ تپه - تپه قرقاول - تخماق تپه و غیره) و ادوار تاریخی و اسلام دیده میشود که کم و بیش مرکب از تپه‌های باستانی و دژهای حصین و حصارهای گلی و آجری سد اسکندر و باروی آجری (که نمونه عظیمی از آن بارو در زمینهای دشت و گنبد قابوس کنونی از زیر خاک بیرون آورده شده است و آجرهای آن هنوز مورد استفاده ترکمانان و ساکنین دشت برای تهیه منازل مسکونی میباشد) و پلهای متعددی است که برای برقراری ارتباط در روی رودخانه‌ها



راست : چوب‌بست گنبد بمنظور تعمیر آن . چپ : کتیبه قابوس

وزمان شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر این شهر مرکز یکی از بزرگترین دارالعلمهای اسلامی و مجمع ارباب علوم و هنر گردید^۲ و از آثار برجسته همین دوره مقبره قابوس بن وشمگیر است که در شهر گنبد قابوس کنونی پایدار مانده و در زمره بزرگترین اندوخته‌های صنعتی و تاریخ معماری ایران بشمار میرود. خرابی و انهدام جرجان ظاهراً با آغاز فتنه مغول مربوط است. حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری آنرا بکلی ویران و بدون سکنه توصیف میکند. از این رو معلوم میشود شهر جرجان که در قرن سوم هجری از بزرگترین مراکز آبادی بشمار میرفته است در سالهای بعد بکلی منهدم گردیده و اثری از آبادیهای قدیمی اسلامی آن بنظر نمیرسد تنها امروز علائم جرجان قدیم را بایستی از مثنی توده‌های خاک و حصارهای گلی و بارو و پلهای آجری و ارگ قدیم و آثار زیرخاکی و آلات و ادواتی که

ودومی در هیجده کیلومتری شمال شرقی آن واقع شده است در سال ۱۳۱۰ خورشیدی توسط دکتر ویلسن امریکائی نماینده دانشگاه پنسیلوانی و موزه شهر کان سیتی مورد کاوش علمی قرار گرفت. طولی نکشید که در نتیجه خاکبرداری، قبرستان قدیمی و قبور زیادی (در تورنگ تپه و نقاره تپه که در قسمت غربی تپه اصلی تورنگ تپه واقع شده است) کشف گردید. بیشتر این قبور دارای اشیاء سفالی رنگین، استخوانی و فلزی و مهره‌های گلی بوده که بنا به بررسی دانشمندان نامبرده متعلق به سه تا دوهزار سال پیش از میلاد میباشد و اکنون بخشی از آن آثار در موزه ایران باستان ضمن مجموعه اشیاء پیش از تاریخ بمعرض نمایش گذارده شده است. معلوم میشود که زمینهای حوالی تورنگ تپه و تخماق تپه یکی از مراکز آبادی کهنسال ایران باستان بشمار میرود^۳.

(۲) برای بررسی بیشتری در اطراف اهمیت تاریخی تپه‌های نامبرده رجوع شود بگزارش حفريات تورنگ تپه نزدیک استرآباد تألیف دکتر ویلسن چاپ نیویورک. کتابخانه موزه ایران باستان.

(۳) چون وشمگیر در سال ۳۵۶ هجری در شکار گراز وحشی کشته شد پسرش قابوس مشهورترین پادشاه آل زیار بر تخت نشست قابوس مشهورترین پادشاه آل زیار است بگفته باقوت وی هم جنگجوی قهار و هم ادیبی فاضل بود نظامی سمرقندی او را بعنوان «مردی بزرگ و فاضل و دوست ارباب دانش» توصیف نموده و ابن سینا و البیرونی از جمله کسانی هستند که از حمایت او برخوردار بودند و بیرونی کتاب مشهور خود را بنام «الانارالباقیه عن الفرون الخالیه» بنام او توشیح کرده است. ایرانشهر ج ۱ ص ۳۹۷.

اهمیت شهر جرجان از دوره زمامداری شهریاران ساسانی آغاز میشود و در زمان همین سلسله است که فیروز ساسانی برای حفظ گران ساختمان باروی آجری که دارای برج و حصار و پشتیبانهای معظم است اقدام نمود. بطوریکه در بالا اشاره شده آثار آن بارو اکنون در برخی از نقاط جرجان در روی زمین و یا در زیر زمین بنام سد اسکندر یا قزل‌آلنگ که بمعنی دیوار سرخ باشد دیده میشود. جرجان در آغاز اسلام محل تاخت و تاز و وقوع یکرشته جنگهای خونین مابین آل بویه و سامانیان شده بود بدینجهت در نتیجه همین ترکازی تاحدی از اعتبار و اهمیت و پیشرفت آن کاسته شد تا آنکه در دوره آل زیار (قرن چهارم هجری)

در نتیجه کاوش و کمانه بدست آمده و یا از راه تصادف بدست میآید تشخیص داد. از یادگارهای برجسته این شهر اسلامی همان آرامگاه شمس المعالی پادشاه آل زیار است که گذشته از جنبه صنعتی و تاریخی یادگار بس گرانبهائی از دوران آبادی و شوکت و جلال آن سرزمین و دودمان آل زیار میباشد.

بنای عظیم گنبد قابوس که از قدیمترین آثار موجود اسلامی و متعلق به آرامگاه شمس المعالی قابوس و شمگیر آل زیار است (۳۶۶ - ۴۰۳ هجری قمری) از بزرگترین مفاخر صنعتی و عظیمترین ساختمانهای باشکوه اسلامی آل زیار بشمار میرود که در شمال شهر کنونی گنبد قابوس بر فراز تپه بزرگ دستی که قریب پانزده متر از زمینهای اطراف بلندی دارد در تاریخ سال ۳۹۷ قمری (۳۷۵ شمسی) بامر شمس المعالی ساخته و پرداخته شده است.^۴

گنبد قابوس شامل برج استوانه‌ای شکل بلند آجری میباشد که بر روی صفا دایره‌ای قرار داده شده است، بدنه برج را از خارج با ده بریدگی یا (پشت بند) زینت داده‌اند که از پائین در میان صفحه‌ای که از سطح اصلی زمین دو متر و هفتاد و پنج سانتیمتر بلندی دارد جوش داده شده، و از بالا بطره‌ای که سقف روی آن ساخته شده اتصال یافته است، و چنانکه از طرح بنا بر میآید از نقطه آغاز پشت‌بندها محیط دایره‌ای شروع میشود بقطر نه متر و هفتاد سانتیمتر که محوطه درونی برج را بمحیط دیگری بقطر چهارده متر و شصت و شش سانتیمتر محدود میکند، و دیوار برج از خارج بمحیط سومی بقطر هفده متر و هشت سانتیمتر منتهی میشود و از مجموع پنج مربعی که بدین ترتیب تشکیل میشود ده پشت‌بند یا بریدگی که دهانه هر کدام آنها يك متر و شصت پهنا دارد پدید میآید و از آن نیز دهانه دیگری تشکیل می‌یابد که يك متر و سی و چهار سانتیمتر پهنا داشته و در نتیجه مدخل بنا بوجود میآید بدین طریق زوایای پشت‌بند مستقیم بوده و همین مستقیم بودن پشت‌بندها موجب استحکام و تسهیل کار ساختمان برج را فراهم ساخته است. از طرف دیگر محیطی که چهارده متر و شصت و شش سانتیمتر قطر دارد در زوایای درونی پشت‌بندها بدنه‌های عریضی را که دارای خطوط منحنی هستند تشکیل میدهد.

در روی بدنه‌های دهگانه آجری برج به بلندی سه متر از طرف پائین و فاصله دو متر و شصت و پنج سانتیمتر از زیر طره قاعده مخروط رأس دورشته کتیبه آجری بخط کوفی ساده در میان قابهای آجری به درازای دو متر و پهنای هشتاد سانتیمتر نصب شده است این دورشته کتیبه که از نظر متن و کلمات عیناً مانند یکدیگرند و در هر بدنه مکرر شده شامل نام بانی و تاریخ ساختمان و منظور بانی بنا میباشد، سادگی این کتیبه که عاری از هرگونه پیرایه و تزئیناتی است میرساند که تنها منظور بانی استحکام بنا و عظمت پیکره آن بوده است و توجهی به تزئین

و آرایش آن نشده است. خطوط کتیبه با آجر ساده قرمز که روی آن سائیده شده بدون هیچگونه روکشی در درون قابهای آجری که با آجر نیمگرد ساخته‌اند جای گرفته است، خطوط کوفی ساده این کتیبه دارای برجستگی بوده و در عین حال دارای يك نوع ظرافت تراش و زیبایی متناسبی میباشد که از هر جهت با هیئت ساختمان عظیم آرامگاه متناسب بوده و مقیاسی که برای تراش کلمات کتیبه بکار برده‌اند دارای تناسب کامل با عظمت ساختمان است، گذشته از سادگی کتیبه در هنگام نصب خطوط و قابسازی آن این نکته مراعات شده است که از هر جهت و وسایل مستحکم ساختن خطوط را در بدنه برج فراهم سازند از این رو هر کدام از کلمات آجری کتیبه و آجرهای قاب اطراف آن دارای ریشه‌های بلندی است که در درون بنا جوش داده شده و حتی از جوش دادن و جفت نمودن سرخطوط بیکدیگر بوسیله ملاط مخصوصی که از سنگ محکمتر است کوتاهی نشده بهمین جهات و بعلت پختگی آجر قرمز و استحکام آن هنوز پس از هزار سال که از تاریخ ساختمان و نصب این کتیبه میگذرد خرابی و خدشه‌ای بتاریخ و خطوط کتیبه آن وارد نشده جز آنکه مقداری از خطوط و کلمات آن بعلت اصابت گلوله محو و بعضی از کلمات آن ریخته شده بود، لیکن تکرار کتیبه در زیر طره سبب شده که پس از خرابی يك بند کتیبه از بند مکرر آن استفاده شود و بدین ترتیب برای همیشه متن کتیبه تاریخی بیاس مکرر بودن آن حفظ و مصون میباشد.

برخی از باستان‌شناسان که بنای گنبد قابوس را مورد بررسی قرار داده‌اند تصور نموده‌اند که کتیبه کنونی متعلق بزمان اصلی ساختمان آرامگاه نمیشود و عده‌ای بر این تصور این نکته را هم اضافه نموده‌اند که کتیبه تاریخی ده پشت‌بند آرامگاه دارای روکش ساروجی بوده که بمرور زمان ریخته و فاسد شده است و یا هنوز هم در روی بعضی از کلمات کتیبه که کمتر در مقابل باران و آفتاب واقع شده ساروجی وجود دارد لیکن با دقت و بررسی کافی و ممتدی که درباره این بنا شده است خالی از حقیقت بودن دو تصور بالا ثابت گردیده، در مرتبه اول کتیبه کنونی متعلق به زمان بنا بوده است و بعلاوه دارای هیچگونه روکش ساروجی و یا روکش دیگری که موجب حفظ آن گردد نبوده و حتی علائمی هم در این زمینه دیده نمیشود. اینک متن و ترجمه

(۴) قابوس امیری بی‌رحم بود و همین خصلت باعث شد که وی ۱۸ سال در زندان بماند ولی بعداً آزادی یافت و تاج و تخت خود باز گرفت و بار دیگر بی‌رحمی را شروع کرد و در نتیجه او را به نفع پسرش منوچهر خلع و در قلعه چینشک نزدیک استرآباد زندانی کردند و در آنجا از شدت سرما هلاک شد تابوت محتوی جسد او را سپس در گنبد قابوس واقع در ۶۰ میلی شمال شرقی استرآباد (گرگان حالیه) که برجی با ارتفاع ۱۶۷ فوت و مخصوص آرامگاه اوست جای دادند. کتاب ایرانشهر ج ۱ ص ۳۹۷.



منظره شرقی گنبد قابوس .

همینقدر از تاریخ‌های قمری و شمسی کتیبه بدست می‌آید که قابوس در زمان زندگی خویش بسال ۳۹۷ قمری و سال ۳۷۵ شمسی ساختمان این کاخ رفیع فرمان داده است .

بدنه برج گنبد قابوس سراسر از آجر پخته قرمز بدون روکش ساخته شده است آجرهای سخت این بنا که در نهایت پختگی و استحکام می‌باشند بعلت تابش آفتاب سوزان دشت و بارانهای فراوان بمرور زمان برنگ زرد طلائی زیبایی درآمده‌اند ، کهن‌سالی این بنا و رطوبت هوا و موقعیت طبیعی مکان آن موجب شده که گذشته از تغییرات که در ظاهر بنا پدیدار است، خزه و سبزی طبیعی شفاف طلائی رنگی بر روی آجرهای بدنه آن بوجود آید و از برکت عمر دراز بیک نوع تزئین طبیعی که نماینده کهنولت بنا است مزین شود . این آجرها بیشتر بشکل مربع $۰/۲۵ \times ۰/۲۵$ و ۶×۶ سانتیمتر و گاهی اضلاع آنها از بیست و سه تا بیست و پنج و قطر آن از پنج الی شش سانتیمتر متفاوت و زیاد و کم میشود و از نظر همواری و صافی و رنگ تماماً یکسان و مهارت متصدیان کار را میرساند .

قطر ملاط بندکشی بدنه آجری برج ازدو تا سه الی چهار سانتیمتر است که در تمام فواصل آجرها بدون باقی‌گذاشتن گودی بندکشی ظریفی شده است، در باب ترکیب اجزاء بندکشی آن که شباهت کامل بیک قسم ساروج محکم و بی‌نظیری را دارد عقاید مختلفی رایج است بهر حال ملاط گنبد که برنگ خاکستری و دارای ترکیبی از شن و ماسه میباشد از نظر استحکام مورد حیرت و تعجب تمام کارشناسان و اهل فن معماری و بنائی است و گفته برخی از محققین یکی از جهات پایداری و استواری این بنای نادره زمان ترکیب اجزاء غیر قابل انفاک ملاط گنبد قابوس است .

در باب طرز ساختمان بدنه استوانه‌ای گنبد که در نهایت سادگی و ظرافت ساخته و پرداخته شده است اشکالی از نظر فنی و معماری دیده نمیشود تنها اشکالی که بنظر میرسد در جفت کردن و تطبیق زوایای آجری است که از اضلاع پشت‌بندها و دیوار برج بوجود می‌آید و در همین قسمت است که معمار بنا استعداد و مهارت خود را در ضمن انشاء یکی از اندوخته‌های صنعتی اسلامی ب معرض عمل قرار داده است . بطور کلی اتصال زوایای آجری اعم از افقی و عمودی در نهایت زیبایی صورت گرفته است و تنها ایرادی که از نظر معماری بر این بنا و طرز آجرچینی آن شده یکی این است که در هر بدنه آجری پس از بیست زاویه فضائی خالی بشکل منشور پدید آمده ، دیگر برآمدگی و حذب محققی است که در روی بدنه (پشت‌بندها) برج بتدریج پیدا شده و همین حذب محقر که منتهای آن در وسط بدنه به بلندی هفده متر از کف زمین دیده میشود بر زیبایی و لطف دورنمای جذاب آن افزوده است . اعجاز صنعتی و معماری این شاهکار قرن چهارم هجری در ساختمان سقف مخروطی حیرت‌آور

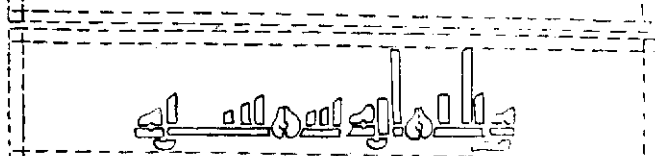
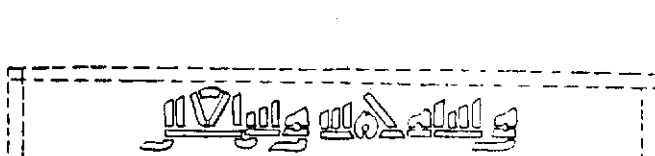
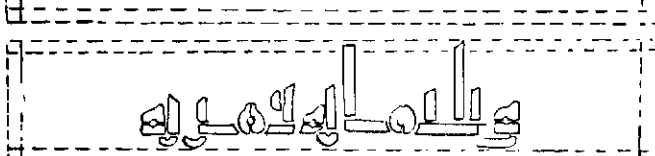
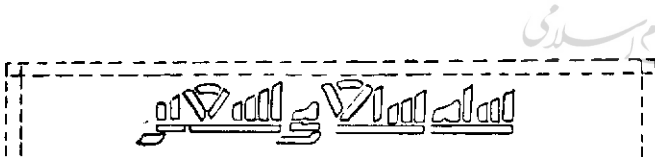
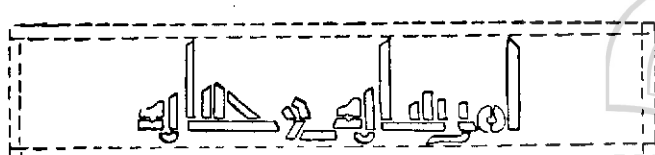
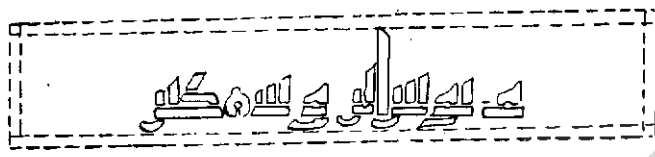
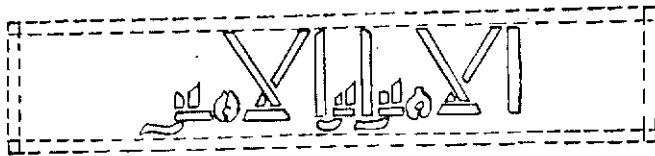
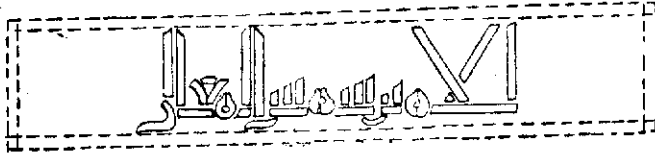
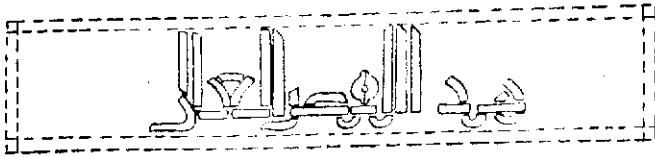
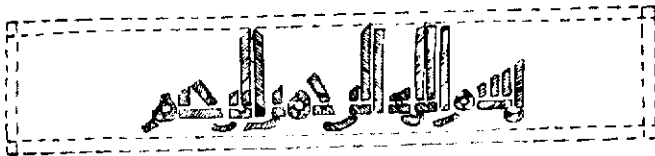
کتیبه کوفی دهگانه که در بدنه گنبد مکرر میباشد بند به بند چنین است :

- ۱ - بسم الله الرحمن الرحيم
- ۲ - هذا القصر العالی
- ۳ - الامیر شمس المعالی
- ۴ - الامیر ابن الامیر
- ۵ - امر به بنائه فی حیاته
- ۶ - قابوس ابن وشمگیر
- ۷ - سنه سبع و تسعین
- ۸ - و ثلثمائه قمریه
- ۹ - و سنه خمس و سبعین
- ۱۰ - و ثلثمائه شمسیه .

ترجمه کتیبه دهگانه بدینقرار است :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر . این است کاخ عالی ، امیر شمس المعالی ، امیر فرزند امیر ، قابوس فرزند وشمگیر ، فرمان داد به بناء آن در زندگی خویش ، سال سیصد و نود و هفت قمری و سال سیصد و هفتاد و پنج شمسی .

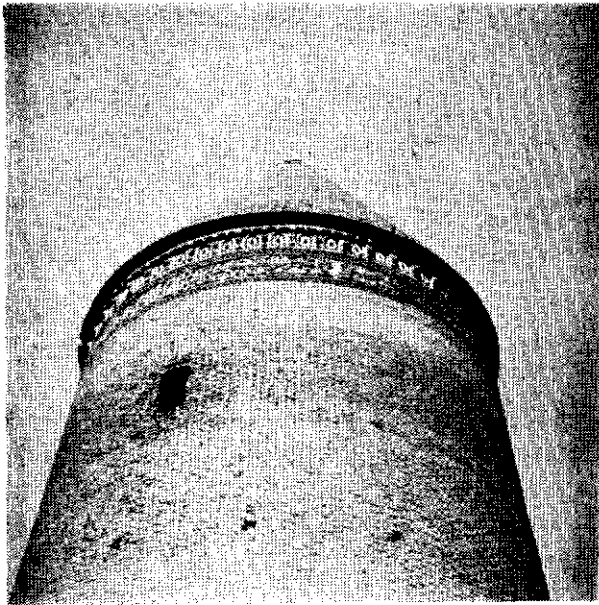
از این کتیبه معلوم میشود که بنای کنونی که بنام آرامگاه شمس المعالی قابوس نامیده میشود و شهرت دارد در اصل شامل ساختمان کاخ بلندی بوده است که سپس بمحل آرامگاه پادشاه مشهور آل زیار تخصیص داده شده است . از آغاز ساختمان و پایان سال بناء آن و اینکه آیا بگفته و وصیت قابوس این کاخ را بآرامگاه قابوس تخصیص داده‌اند اطلاعی در دست نیست



کتیبه کوفی مکرر گنبد قابوس .

وشگفت آن میباشد که درحقیقت بقدری درساختمان وظرافت پوشش مخروط مهارت بکاررفته است که اهمیت وشکوه ساختمان گنبد آن تأثیر بلندی بدنه برج را بکلی از نظر بینندگان انداخته ومحو میکند ، کارگر بنا سطح مخروطی سقف را بجای آنکه با آجر معمولی بسازد بایکنوع آجر ریشمدار که تنها تاکنون در این بنا وبرج رادکان جرجان (کُرد گوی) که از آثار همین قرن است پوشش نموده وبدین ترتیب در شکل بندی ساختمان گنبد که بایستی هرم وار شود تغییری داده شده وبصورت مخروط کنونی جلوه نموده است ، مخروط کنونی که شاهکار صنعتی این برج نامی بشمار میرود باندازه ای صاف وهموار ساخته شده که پرندگان را جرئت نشست وبرخاست بر روی آن نمیشاهد وهنوز نتوانسته اند پنجه ای بر آن افکنده وجای پائی برای خود بیابند، تنها گلوله بارانهائی که بر بیکر این بنا شده موجب گردیده است که برجند نقطه بدنه هموار مخروط که روی آجرهای آنرا سائیده وصیقلی نموده اند پست وبلندیهای ایجاد گردد واین خرابیها بیشتر متوجه سمت غربی مخروط ومشرق به جاده وشهر گنبد بوده وپس از قسمت غربی خرابی بسمت شرقی گنبد متوجه شده است وتنها قسمت شمالی مخروط وجنوبی آن سالمتر مانده وکمتر آسیب وزیان دیده بود ، در جهت شرقی گنبد مخروطی شکل روزنه ای که موجب تابش اشعه آفتاب بدرون گنبد وسقف بنا است تعبیه شده ، این روزنه که طاق آن ازدو طرف (خارجی وداخلی) با آجرهای مخصوص قالبی که برای زدن طاق چشمه ساخته شده است بدرازای دومتر تمام وبه نای ۰/۷۴ و ۰/۷۸ و ۰/۸۰ سانتیمتر میباشد (هر قدر از پائین روی بالا میرود از به نای روزنه کاشته میشود) کف آن با آجر ساده بزرگ فرش شده وروی بدنه دیوارهای روزنه وبرروی سقف آن اندودی از گچ وخاک که شاید برنگ آبی تزیین شده بقطر يك الی شش سانتیمتر (اندود چشمه طاق) موجود است ضمناً از فاصله مابین تیزه عقب روزنه (وصل به بدنه داخلی گنبد) وتیزه خارجی گنبد که دومتر وده تا دومتر وپنجاه و پنج از بالا تا پائین قطر دارد میتوان بضخامت وقطر قسمت سفلی وعلیای گنبد مخروطی پی برد وتنها از همین روزنه شرقی است که روشنائی درون گنبد تأمین میشود .

آجرهای بدنه مخروط دارای قالب وشکل مخصوص میباشد که باصطلاح محلی به آجر بازودار ویا ریشمدار نامیده میشود ، این آجرها بتفاوت دارای ریشمهای مختلف وبدنه های متفاوت است وهر قدر از پائین روی بالا میرود به نسبت خاصی از زیادای ریشه وبهنا ودرازای بدنه آن کسر میشود تا اینکه بفراز مخروط میرسد . ریشه آجرهای بالای طره وشروع قاعده مخروط پنجاه الی چهل وهشت سانتیمتر میباشد ، بدنه آجر آنها که روی مخروط را پوشانیده به درازای سی و پنج سانتیمتر وبه نای بیست و پنج سانتیمتر است ، بهمین ترتیب در اواسط



چپ : کتیبه کوفی برج رادکان .



راست : دورنمای برج رادکان کرد کوی .

آجر در بدنه مخروط مراقبت کافی شده دیگر احتیاج به بندکشی پیدا نمیشود زیرا فاصله‌ای در این بین تولید نمیگردد و گذشته از آن سراسیمبی تند بام مخروطی هم مانع ایستادگی آب باران بر روی بام گنبد شده و همین سراسیمبی و همواری بام از غلغل مؤثر استحکام و صیانت مخروط گنبد بشمار است .

درون بنای گنبد قابوس از لحاظ سادگی مانند خارج آن میباشد و بطوریکه ازدقت بر روی دیوار و جدار داخلی آن بدست میآید ، در زمان ساختمان بنا روکش گچی رنگین و یا اندودی از گچ بقطر يك سانتیمتر تا پنج الی شش سانتیمتر بر روی دیواره آجری برج قرار داده بودند که اکنون آثار آن از بلندی هفت الی هشت متری کف درونی برج تا رأس داخلی مخروط دیده میشود ، تنها اشکال ملاحظه دقیق آن تیرگی و دودزدگی درون گنبد است که یکسره داخل بنا را سیاه و تیره ساخته است .

از تزئینات خارجی این بنای عظیم گذشته از کتیبه‌ها بایستی دورشته مقرنس آجری که نیم گنبد میان دو طاق سردر بر روی آنها ساخته شده است نام برده شود ، این دو مقرنس ساده زیبا و دو مقرنس دیگر بهمان شکل که در زیر آنها ساخته شده است و گچبری صفحه جدولی زیر تیزه طاق سردر ورودی و آثار کلاف بندی قطارهای گچی که در کاسه سردر مشاهده میگردد و اکنون خراب و شیخ طرحی از آن باقی است اگر چه در کمال سادگی میباشد ، لیکن از این جهت که نمونه ابتدائی

بدنه مخروط ریشه آجرها به چهل وسی و شش و بیست و نه سانتیمتر تخفیف پیدا نموده است ، بدنه آنها هم که قسمت وسطی مخروط را پوشانیده بصورت مربع درآمده و هر کدام با ضلاع 30×25 سانتیمتر میرسد ، سپس از ارتفاع سه الی دو متر و نیم مانده بفراز مخروط از ریشه و اندازه بدنه‌های آجری مخروط کسر شده بطوریکه طول ریشه آجرهای رأس مخروط به بیست و هشت الی بیست سانتیمتر رسیده ، درازا و پهنای آجرهای روی مخروط به نوزده الی ده سانتیمتر منتهی میشود ، تا آنکه در فراز گنبد بیک آجر نوک نیز پایان مییابد . بدین ترتیب چون نوع پوشش مخروط سقف با آجرهای مخصوص ریشه‌دار میباشد ، در طرز ساختمان زیر بدنه مخروط و آجر چینی آن دقت مخصوصی بکاررفته است که در زیر گلوئی هر کدام از ریشه آجر بازو دار پنج الی شش عدد آجر که پهنای و درازای قطر آن 25×25 و 6×6 سانتیمتر است قرار داده شده ، این آجرها بر روی هم بواسطه ملاط گچ متصل گردیده است ، بعداً آجر ریشه‌دار را بر روی آن استوار ساخته‌اند ، ضمناً برای آنکه لبه آجرهای روی مخروط بیکدیگر متصل گردند آنها را طوری با آجر تراش داده و بیکدیگر قفل و بست نموده‌اند که ناظر و بیننده گنبد تصور نمینماید که سطح مخروط بنا تماماً از یک قطعه آجر مخروطی شکل ساخته شده است و این خطای باصره تنها از جهت مهارت در طرز اتصال و پوشش سقف تولید میشود ، از این رو چون در طرز اتصال و قراردادن ریشه‌های

از هنر تزئینی بشمار می‌رود قابل شناسائی و سزاوار حفظ و نگاهداری است. در باب ارتفاع حقیقی این برج نظریات مختلف بود تا آنکه نگارنده که در سال هزار و سیصد و هیجده خورشیدی مأمور تعمیر و مرمت آن گردید، موفق شد که با کمال دقت بلندی برج را پس از تعمیر و اتمام ساختمان مخروط رأس اندازه‌گیری نماید و مشخصات حقیقی آن بدین قرار است:

بلندی بدنه برج از کف زمین تا زیر قاعده مخروط رأس سی و هفت متر تمام است.

بلندی کتیبه مخروط از کف قاعده تا رأس آن هیجده متر تمام است که رو به مرفقه بلندی کتیبه برج با استثنای تپه‌ای که بر روی آن ساخته شده پنج و پنج متر است. اگر یازده متر بلندی تپه دستی که گنبد بر روی آن ساخته شده بر ارتفاع گنبد بیفزائیم مجموع بلندی گنبد قابوس به هفتاد متر می‌رسد از این جهت میتوانیم بنای گنبد قابوس را از بلندترین آثار تاریخی دنیا بشمار آوریم. گذشته از اهمیت صنعتی و تاریخی برج در عالم معماری اسلامی، پایداری آن در دشت ترکمان موجب راهنمایی مسافری و مردمان و ساکنین دشت میباشد زیرا قامت رعنا گور در عین اینکه نماینده عظمت و جلال جرجان دوران آل زیار و بادگار فرمانروائی شمس‌العالی میباشد خود هادی و راهبر مسافری است. بنای گنبد در نتیجه بی‌مبالائی و تجاوزی که بآن شده بود بمنظره رقت‌آوری درآمده بود پایه بنا و اطراف سردر ورودی وصفه و خروجی‌های آجری آن صدمات زیاد دیده بود و در بعضی قسمتهای پایه بنا حفره‌هایی بمق دو الی دو متر و نیم تولید شده بود، آجرهای آنرا کنده و برده بودند و در حقیقت چیزی مانده بود که پی بنا از کشیدن بار سنگین آرامگاه شانه خالی کند، گذشته از خرابی پی و پایه بنا گنبد مخروطی آن بالاخص در سمت شرقی و غربی خرابی و لطمه‌های فراوان دیده و قریب هزار و پانصد عدد از آجرهای ریشه‌دار آن شکسته و از جای خود در اثر اصابت گلوله درآمده بود، اطراف روزنه شرقی بکلی خراب و آجرهای طره و قسمتی از تیزه‌های مابین پشت‌بند (قسمت جنوب شرقی) و خطوط کتیبه بند «الامیر ابن‌الامیر و قابوس ابن وشمگیر» مکرر زیر و بالا ریخته و محو شده بود، درون بنا هم نیازمند بتعمیرات و اصلاحاتی بود، تا آنکه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی برای نخستین مرتبه به تعمیر پایه بنا بر طبق اسلوب قدیمی آن اقدام شد و بهتر ترتیبی بود صفه آن ساخته و پرداخته شد، قسمت مهم تعمیر آن که مرمت گنبد مخروطی و پوشش بام گنبد بود موکول بسال ۱۳۱۸ خورشیدی گردید سپس در خلال سال ۱۳۱۷ به تهیه چوب بست معظم آن در بدنه وسطی غربی و روی گنبد مخروطی اقدام شد و پس از یکسال که چوب بست آن پایان پذیرفت و نرده بام سی‌وسه پله آن باتمام رسید، از شهر یورماه ۱۳۱۸ خورشیدی شروع به تهیه آجر مخصوص بام و ساختن پالکی دوازده و نصب جروائقال و سایر

وسایل فنی تعمیر گردید، در طی مدت سه ماه کلیه مرمت گنبد مخروطی و تعمیر کتیبه وصفه قاعده و اصلاحات درونی آن پایان رسید، بطوریکه برای همیشه این شاهکار صنعتی عالم اسلامی که باشکوه‌ترین ابنیه قرن چهارم هجری است از خطر خرابی و هر نوع گزند و آسیبی محفوظ و مصون گشت. در این جا بی‌مناسب نیست که نامی از بنای برج رادگان جرجان هم که از نظر معماری و ساختمان بی‌شابهت به گنبد قابوس نیست برده شود. برج رادگان که در جنوب جرجان و آبادی رادگان بتقلید از بنای گنبد قابوس با آجر ساخته شده است، آرامگاه یکی از اسپهبدان آل باوند و فرمانروایان محلی است که بر طبق کتیبه متعلق به آغاز قرن پنجم (سال ۴۰۷ - ۴۱۱) هجری است و بطوریکه از متن کتیبه کوفی آن برمیآید، ساختمان بنای نامبرده در سال ۴۰۷ هجری توسط اسپهبد ابو جعفر آغاز و تا سال ۴۱۱ هجری اتمام آن بطول انجامید. این بنا که بصورت برج مدوری ساخته شده دارای گنبد مخروطی آجری است که آجرهای آن مانند آجر پوشش گنبد مخروطی گنبد قابوس میباشد با این تفاوت که آجر ریشه‌دار پوشش گنبد برج رادگان بمقیاس کوچکتری تهیه شده لیکن از جهات پختگی و رنگ و استحکام نظیر آجرهای گنبد قابوس است، تفاوت دیگر آن با بنای گنبد قابوس در این است که روزنه این برج برخلاف روزنه شرقی گنبد قابوس که در بدنه مخروط ساخته شده، در بدنه مدور برج احداث گشته است و ضمناً از نظر آثار تزئینی هم برگنبد قابوس رجحان دارد، زیرا در این بنا تزئین گچبری هم علاوه بر تزئین آجری موجود است. این برج که در محل بنام قلعه کبری هم نامیده میشود و بر فراز تپه‌ای قرار گرفته است دارای موقعیت طبیعی مخصوصی است، بطوریکه اطراف آنرا مناظر زیبایی احاطه نموده است و چون تا اندازه‌ای از گزند و تجاوز محفوظ مانده چندان دچار خرابی نشده است، شاهکار صنعتی این بنا نیز ساختمان گنبد مخروطی صیقلی و هموار آن میباشد، قاعده مخروط و طره زیرین و دورشته تزئین و کتیبه کوفی گچی آن جزء تزئینات جالب توجه قرن پنجم هجری بشمار میرود، و همچنین ساختمان سردر آن از نظر فن معماری بی‌اهمیت نمیشود، بدین جهت بنای رادگان را عده‌ای تقلید صرف از ساختمان عظیم گنبد قابوس میدانند، و این نظریه با بررسی و تطبیق شکل ساختمان و طرز آجر چینی و بویژه ساختمان مخروط گنبد تا اندازه‌ای صحیح و قریب به یقین است، و میتوان معتقد شد که اگر چه معمار بنا صرفاً در ساختمان برج رادگان از گنبد قابوس تقلید و متابعت نموده است، لیکن تاحدی معماری گنبد در طرز ساختمان و معماری رادگان مؤثر شده است و کارگران بنا نتوانسته‌اند از تقلید آن صرف نظر نمایند بدین رو بایستی ساختمان گنبد قابوس را بمنزله سرمشق بناء برج رادگان و سایر ابنیه تاریخی مازندران بدانیم.

پایان